جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | حسین یاری (بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

# اهل جهنم با چاشنی خون و خشونت!

فاطمه قاسم‌آبادی

در حال حاضر شبکه اینترنتی نت فلیکس، به عنوان قدرتمندترین شبکه اینترنتی جهان، با سرمایه‌ای بی‌پایان، در حال ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مشترک، با دیگر کشورهای جهان است.

سریال‌های تولید مشترک، اکثرا در راستای دیدگاه‌ها و فلسفه غربی ساخته می‌شوند، حتی اگر این محصولات مشترک، متعلق به کشورهای شرقی یا عربی هم باشند، در نهایت نگاه سازندگان، نه به واقعیت یک جامعه و مردمش، که با نگاه سلطه‌گر غربی، که قرار است تمام دنیا را شبیه به خودش بکند، روبه‌رو می‌شود؛ از این رو در بیش‌تر سریال‌های ساخت مشترک این شبکه، چنین وضعیتی دیده می‌شود و کم‌تر پیش می‌آید که مخاطبین دیدگاه یا هویتی مستقل، غیر از دیدگاه و هویت‌های تکراری ساخته‌های گذشته این چند سال را، در فیلم‌ها و سریال‌های نت فلیکس ببینند.

البته مسئله دیگری که بسیار مهم است، میزان جذب مخاطبین است که در این مورد، اگر فیلم یا سریالی بازتاب کاملی از تفکرات لیبرالیستی و ماتریالیستی و... باشد و ظرفیت جهانی شدن را از نظر مدیران نت فلیکس داشته باشد، با حمایت این شبکه و دیگر شبکه‌های اجتماعی آمریکایی(اینستاگرام، فیس بوک و...) مانند بمب تبلیغاتش در دنیا منفجر می‌شود و نگاه‌ها را به سمت خود میبرد.

سریال «اهل جهنم» ساخته «یئون سانگ هو»، محصول سال ۲۰۲۱ نت فلیکس و کره جنوبی است. این سریال توانست گوی سبقت را از سریال پر سرو صدا و پر حاشیه «بازی مرکب» برباید و به جایگاه پر مخاطب‌ترین سریال، در دو هفته گذشته برسد.

## داستان جهنمی‌ها

داستان سریال اهل جهنم، در کره جنوبی اتفاق می‌افتد که به دلایلی نامعلوم، ارواح شریر و موجودات ماوراءالطبیعی به نام فرشتگان مرگ، به برخی انسان‌های به ظاهر گناهکار، در این کشور، خبر از روز و ساعت دقیق مرگشان می‌دهند و در روز مقرر شده، این فرشتگان ترسناک، به سراغ فرد مورد نظر می‌آیند و با خشونت او را می‌کشند و به قول خودشان به جهنم می‌برند....

این رویدادهای ماوراءالطبیعی، باعث ایجاد هرج و مرج و آشفتگی زیادی در جامعه می‌شود و در نتیجه گروه مذهبی به نام «فرقه راستین» از وضعیت پیش آمده استفاده می‌کنند و به وسیله رهبرشان «مدیر جونگ» قدرت و تاثیرگذاری خود را در این جامعه پر از ترس و اضطراب افزایش می‌دهند... از طرف دیگر عده‌ای که به فعالیت‌های این گروه مشکوکند و مهم‌تر اینکه باور دارند این مرگ‌ها هیچ ربطی به مجازات الهی ندارد، شروع به تحقیق در مورد این اتفاقات می‌کنند....

## بی‌منطق و سردرگم

یئون سانگ هو، سازنده سریال «اهل جهنم»، این مجموعه را بر اساس یک مجموعه کمیک دیجیتال با همین نام که خودش تهیه‌اش را به عهده داشته، ساخته است.

البته معروف‌ترین اثر این هنرمند کره جنوبی، فیلم «قطار بوسان» بود که در مورد حمله زامبی‌ها به مردم و فرارعده باقی مانده توسط یک قطار بود. ولی برخلاف فیلم قطار بوسان، در سریال اهل جهنم، مخاطبین با داستانی سردرگم روبه‌رو هستند که موجودات شرور مورد نظر در آن، با نام فرشتگان مرگ شناخته می‌شوند؛ موجوداتی که هیچ نشانی از فرشته بودن بر طبق دیدگاه‌های کلاسیک را ندارند.

داستان از ابتدا تا انتها سعی می‌کند با اطلاعاتی ناقص و نصفه نیمه از مذاهب مختلف، به نوعی گنگ، مسئله مجازات الهی را پیش بکشد ولی در نهایت مخاطبین را سردرگم باقی می‌گذارد و سازنده سعی می‌کند برای گرفتن بودجه برای ساخت فصل دوم، بیشتر سؤالات و پیچش‌های داستانی را رها کند و تنها اثری درهم و پر از خشونت را به خورد مخاطبینش بدهد.

البته یئون سانگ هو، سعی دارد با داستان متفاوتش، سریال را پرسوصدا و جذاب کند ولی هوشمندی لازم را برای داستان‌پردازی قوی و تحقیقات و اطلاعات مورد نیاز را، برای هم‌ذات‌پنداری مخاطبین با شخصیت‌های داستان و ارتباطشان با مذهب را ندارد.

## فرشتگان خودنما

در سریال اهل جهنم مخاطبین، به اصطلاح فرشتگان مرگی را می‌بینند که مانند سیل عظیمی از انسان‌های این دوره که عاشق خودنمایی و نشان دادن خود در شبکه‌های اجتماعی هستند، این موجودات هم کاملا اتفاقی مدام جلوی دوربین‌ها ظاهر می‌شوند و پیام مرگ را می‌دهند یا جنایتکاران را جلوی همین دوربین‌ها به سزای اعمال‌شان می‌رسانند!

فرشتگان مورد نظر که بیشتر شبیه گوریل‌های بد هیبت هستند، براحتی جلوی دوربین می‌آیند و با خشونت تمام فرد مورد نظر را به کام مرگ می‌کشانند و حتی اگر آن فرد جلوتر خودکشی کرده باشد، روحش را احضار می‌کنند و همان بلاها را سرش می‌آورند.

اگر از این نکته بگذریم که چطور این فرشتگان مادی هستند و در دوربین‌ها ثبت می‌شوند، باید این سؤال را بپرسیم که آنها بر چه اساسی قربانیان خود را انتخاب می‌کنند و زمان مرگشان را به آنها اعلام می‌کنند؟

این‌ها همه سؤالاتی هستند که سازنده بی‌جواب باقی می‌گذارد و عملا با کشدار کردن صحنه‌های خشونت‌آمیز، به نوعی سر مخاطبینش را گرم می‌کند و به آنها فرصت طرح سؤال و انتظار پاسخ را نمی‌دهد.

یکی از هوشمندی‌های پخش یک‌مرتبه‌ای تمام قسمت‌های یک سریال، توسط نت فلیکس، در همین جاست که مخاطبین هیچ فرصتی برای تفکر و سنجیدن شخصیت‌ها و منطق داستان‌شان ندارند و تنها طی مدت زمان کوتاه، اطلاعات بی‌سر و ته سازندگان را می‌بینند و به سراغ فیلم یا سریال بعدی می‌روند.

## مجازاتی برای قشر متوسط!

در سریال «اهل جهنم»، یکی از جالب توجه‌ترین نکات، این مسئله است که تقریبا تمام کسانی که پیام مرگ و رفتن به جهنم را می‌گیرند، چه گناهکار و چه بیگناه، همگی از قشر ضعیف و متوسط جامعه هستند و مرفهین در این سریال، بیش‌تر در قالب تماشاگران مرگ، در صندلی جلوی این نمایش مضحک می‌نشینند و بدون هیچ ترسی، مراسم «عروج» یا همان کشته شدن قربانیان را تماشا می‌کنند!

این نوع نگاه سازنده سریال، نسبت به مسئله اختلاف طبقاتی و بی‌آسیب گذاشتن قشر ثروتمند با توجه به داستان سریال، نه تنها هوشمندانه نیست، که منطق نصفه نیمه سریال را هم نابود می‌کند، چرا که اگر این موجودات فرشته هم نباشند و در نهایت مشخص شود تنها از یک بعد دیگر به این جهان آمده‌اند، بازهم نباید اصولی در انتخاب قربانیان خود داشته باشند؟

اصلا برای موجودات ماوراءالطبیعی، مسئله ثروت و فقر چه معنی می‌تواند داشته باشد و مهم‌تر اینکه سازنده هر قصدی که از انتخاب‌هایش داشته، باید سر نخی برای مخاطبین باقی بگذارد که بتوانند با دنبال کردن آن، به جواب کمی از سؤالات خود برسند ولی در سریال اهل جهنم، هیچ کدام از این اتفاقات نمی‌افتد و تنها در قسمت آخر، راننده تاکسی به عنوان یک شخصیت بی‌هویت، با دیالوگی کوتاه، یک جمع‌بندی نهایی از اتفاقات می‌کند که:

« من راجع به خدا چیز زیادی نمی‌دانم و برایم مهم هم نیست، ولی در مورد یک چیز مطمئنم و آن هم این است که، این دنیا متعلق به انسان‌هاست و خودمان باید به مسائلمان رسیدگی کنیم.»

این تنها قسمتی است که تا حدودی دیدگاه سازنده سریال را برای مخاطبینش مشخص می‌کند و به صورت گنگ کمی مخاطبین را برای نتیجه‌گیری شخصی‌شان، راهنمایی می‌کند.

## طرز تهیه سریال پر مخاطب

در چند سال اخیر و به ویژه در کشوری مانند کره جنوبی، بازار ساخت سریال‌هایی که خشونت را مستقیم نشان بدهند و قشر متوسط و اشراف را مقابل هم قرار بدهند، به شدت داغ شده است.

از آنجایی که تمام کشورهای مستعمره آمریکا، به نوعی مقلد بی‌چون و چرای سیاست‌های این کشور هم هستند، در این چند سال اخیر، فیلم‌ها و سریال‌های بی‌سر و ته، با درون مایه‌های مثلا ضد سرمایه‌سالاری و پر از خشونت، در کره جنوبی زیاد شده است و این نوع سریال‌ها به خاطر موضوع و سبک ساخت‌شان، برای مخاطبین عصبانی و ناراضی از زندگی‌شان، مانند یک مُسَکن عمل می‌کند و آنها را پای روایات سردرگم خود می‌کشانند.

در این نوع ساخته‌ها، مرگ‌های دلخراش و زنده شدن‌های بی‌منطق، فراوان پیدا می‌شود و داستان بر پایه تخیلات پر از نقص سازندگانش سوار است.

شخصیت‌پردازی‌های ضعیف و گره‌های داستانی کور، از جمله نقاط مشترک بیشتر این ساخته‌هاست ولی با توجه به تبلیغات فراوان، چنین ساخته‌هایی، مخاطبین زیادی هم دارد و پول‌های کلانی را به جیب سازندگان‌شان که ارزشی برای وقت و ذهن مخاطبین قائل نیستند، می‌ریزد.

# رسانه‌های زنجیره‌ای بیگانه

سعید مستغاثی

# چگونه در دوران کرونا روی اعصاب مردم راه رفتند؟

بعد از حدود ۳۰۰ روز، دیگر نقطه قرمزی به لحاظ شرایط کرونایی روی نقشه ایران وجود ندارد و میزان تلفات به کمتر از ۸۰ نفر رسیده، اما آیا رسانه‌های زنجیره‌ای از این نکته مثبت برای مردم ایران، سخنی به میان می‌آورند؟

وقتی آمار ابتلا و تلفات در ایران بالا می‌رود، مرتب خبر و گزارش می‌نویسند و پروپاگاندا می‌کنند که الان کُن فیکون می‌شود، همه چیز درب داغان است، مردم عنقریب نابود شوند! و...

اما وقتی همین آمار پایین می‌آید، سکوت می‌کنند! مثل این روزها که آمار تلفات دو رقمی شده و ابتلا به حدود دو هزار نفر در شبانه‌روز رسیده که همه رسانه‌های فوق در سکوتی مرگبار به سر می‌برند تا باز دوباره اگر خدای ناکرده بالا برود، غوغا کنند!

اما در مورد بالا رفتن آمارهای کشورهای اروپایی و آمریکایی هیچ نمی‌گویند، انگار نه انگار که اکثریت مردم کشورهایی مثل آلمان و آمریکا و انگلیس دو دوز واکسن را آن هم اغلب از نوع (به قول آنها واکسن معتبر) فایزر زده‌اند و اینک نیز بعضا در حال تزریق دوز سوم هستند ولی آمارها خصوصا آمارهای چند هفته اخیر به خصوص در این سه کشور حکایت جهش‌های شدید در ابتلا و تلفات کرونایی دارد، که اگر در ایران چنین اتفاقی افتاده بود، همه آن سر و صداها باز دوباره شروع می‌شد که «اصلا به دلیل ممنوعیت واکسن بوده یا به دلیل ساخت واکسن‌های داخلی با جان مردم بازی کردند و واکسن داخلی هم ساخته نشد یا اصلا نمی‌توانستند بسازند یا کپی خارجی است یا اصلا اثر ندارد یا غیربهداشتی است یا...!»

اما حالا که این مسئله‌گریبان خودشان را گرفته با هزار دلیل این حجم ابتلا و تلفات را توجیه می‌کنند که مثلا اغلب تلفات از سالمندان بوده یا افرادی که یک دوز زده بودند، یا بیماری زمینه‌ای داشتند یا اصلا واکسن نزده بودند یا...!

حدود ۲۰ ماه است که به همین صورت روی اعصاب مردم راه می‌روند و طرفه آنکه برخی هم گوش و چشمشان به همین اخبار بد است!

از همان اوایل که هنوز تلفات کرونا در ایران در حد دو- سه نفر بود، نوشتند که «وای! ایران چه خبر شده! فاجعه اتفاق افتاده!

### غیرحرفه‌ای درحد کانال‌های خبری زرد!

«ایران دومین قربانگاه ویروس کرونا در جهان بعد از چین»! این تیتر گزارشی بود که «بی‌بی‌سی فارسی» در تاریخ دوم اسفند ۹۸ روی خروجی‌های مکتوب و تصویری خود قرارداد.

بی‌بی‌سی در شرایطی در گزارش خود از واژه هولناک «قربانگاه» استفاده کرده بود، که از روز چهارشنبه ۳۰ بهمن ۹۸ و گزارش نخستین مورد ابتلا به کرونا در ایران تا روز جمعه دوم اسفند، تنها چهار نفر در کشور ما در اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده بودند.

اما خیلی زود، اروپا از جمله انگلیس و آمریکا و آلمان و ایتالیا و اسپانیا و فرانسه و... واقعا تبدیل به قربانگاه کرونا در جهان شدند ولی دیگر کرکره‌ها پایین کشیده شده بود.

وقتی معاون وزیر بهداشت، در همان اوایل شیوع کرونا، دچار بیماری شد و قرنطینه گردید، به کوس و کرنا زدند که ببینید این چه سیستم بهداشتی و مقابله با کرونایی است که خود مسئولان آن دچار کرونا می‌شود! باز خیلی زود، نه تنها مسئولین بهداشت انگلیس و برخی کشورهای اروپایی که حتی بوریس جانسون و آنگلا مرکل و ترامپ و... هم دچار و قرنطینه شدند.

گفتند ایران دچار کمبود وسائل بهداشتی مقابله با کرونا مثل کیت‌های تشخیص و دستگاه‌های ونتیلاتور و ماسک است که بالاخره علی‌رغم همه تحریم‌ها، هم کیت تشخیص در داخل ساخته شد، هم ونتیلاتور و هم ماسک به حد وفور تولید شد. اما آنها همه این کمبودها حتی درمورد مواد غذایی و غارت شرم‌آور دستمال توالت از فروشگاه‌ها را به نمایش گذاشتند که Trever Noah مجری معروف آمریکایی را به آه و فغان واداشت و حتی دولت‌های غربی محموله‌های ماسک را در فرودگاه از یکدیگر دزدیدند!

گفتند و هنوز هم جاهلانه تکرار می‌کنند که ارقام رسمی ابتلا و تلفات اعلام شده در ایران، بسیار کم‌تر از آمار واقعی است و آمار واقعی چندین برابر ارقام اعلام شده از سوی دولت است.

این در حالی بود که در همان اوایل شیوع کرونا، بسیاری از مراکز و موسسات علمی و پژوهشی معتبر بین‌المللی اعلام کردند که امکان به‌دست آوردن و اعلام آمار دقیق مبتلایان و فوت‌شدگان کرونا به دلائل مختلف از جمله تشخیص‌های مختلف، درصد خطای تست‌های تشخیص، ابعاد ناشناخته ابتلا و مرگ بر اثر کرونا و عدم دستیابی سیستم‌های بهداشتی به همه مبتلایان و... در هیچ کجای جهان امکان‌پذیر نیست.

از جمله پژوهشگران دانشگاه گوتینگن آلمان اعلام کردند که براساس تحقیقات آنها، آمارهای رسمی در جهان تنها شش درصد از تعداد واقعی مبتلایان به کرونا را نشان می‌دهد. و در همان زمان اعلام شد که فوت شدگان خانه‌های سالمندان و برخی مراکز دیگر در انگلیس و آلمان و... اصلا در آمار تلفات کرونا این کشورها، در نظر گرفته نشدند!

ظهر روز شنبه ۱۱ مرداد، بی‌بی‌سی فارسی در همین راستا، ناگهان اعلام کرد: «فهرست درگذشتگان کرونا در ایران تا پایان تیر به ۴۲ هزار نفر رسیده که نزدیک سه برابر آمار رسمی است!»

قابل تامل آنکه، بی‌بی‌سی فارسی برای ادعای فوق‌الذکر هیچ منبعی درج نکرد و صرفاً اعلام کرد بر اساس داده‌های پزشکی به این آمار رسیده است!

اما این اقدام غیرحرفه‌ای بی‌بی‌سی فارسی که حتی کانال‌های تلگرامی زرد هم از خبرسازی به این شیوه اجتناب می‌کنند، در شرایطی بود که حدود ۷۲ ساعت قبل از آن، یعنی در شامگاه چهارشنبه ۸ مرداد، یک گزارش مستند، پرده از سناریو کرونایی سه رسانه «بی‌بی‌سی فارسی»، «صدای آمریکا» و «اینترنشنال» برداشته شد که این رسانه‌ها طی یک پروژه مشترک جنگ روانی علیه مردم ایران، سناریویی پیرامون آمار مبتلایان و فوتی‌های اپیدمی کرونا در ایران را در دست تهیه دارند.

در گزارش یاد شده حتی به اختلاف نظر شدیدی که پیرامون عددسازی برای فوتی‌های کرونا در ایران بین گردانندگان سه رسانه مورد اشاره نیز وجود داشت نیز اشاره شد، به این شرح ذیل که:

«یکی از دست‌اندرکاران شبکه سعودی اینترنشنال با انتقاد شدید از پایین بودن عدد ساختگی بی‌بی‌سی فارسی، آن شبکه را به تلاش برای اجرای منویات ایران متهم کرده و گفته ما تعداد کشته را صدهزار نفر پیشنهاد کردیم و حتی لیستی از اسامی فوتی‌ها هم نوشتیم، اما مدیر بی‌بی‌سی این عدد را باورناپذیر اعلام کرد و شبکه صدای آمریکا نیز موضعی کاملا انفعالی داشت و صرفا به دهان عوامل بی‌بی‌سی نگاه می‌کرد. نهایتا قرار شد حد وسط اعداد پیشنهادی طرفین به عنوان کشته‌های کرونا در ایران اعلام و بی‌بی‌سی فارسی پروژه را کلید بزند.»

با وجود لو رفتن عملیات روانی فوق برای آمارسازی و کشته‌سازی کرونایی در ایران، انتظار می‌رفت گردانندگان «بی‌بی‌سی» فارسی از کلید زدن این پروژه اجتناب کنند اما ظاهراً دستور به «بی‌بی‌سی» بسیار جدی بوده و حرص و ولع گردانندگان این شبکه برای به هم زدن آرامش روانی و روحی مردم ایران به قدری زیاد بود که حتی با وجود لو رفتن عملیات روانی- رسانه‌ای مزبور نیز از کلید زدن آن منصرف نشدند!

بعد از آن، قبرهای حفر شده در بهشت زهرا و سایر آرامستان‌ها (که اگر هر کسی گذارش افتاده باشد، در هر شرایطی آنها را دیده که برای تسهیل در امر دفن اموات سالهاست که صورت می‌گیرد) را به کرونا ربط داده و حتی ادعا کردند که ازدیاد بیش از حد قربانیان کرونا، باعث شده آنها را در گورهای دسته‌جمعی دفن کنند، این درحالی بود که خیلی زود، صدای حفر گورهای دسته جمعی در نیویورک و دیگر شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا درآمد.

گفتند ایران با کمبود امکانات برای بیماران کرونایی مواجه است اما بازهم خیلی زود خبر پر شدن بیمارستان‌ها در انگلیس و آلمان و آمریکا و خواباندن بیماران در خیابان‌ها و پارکینگ‌ها و کمبود دستگاه‌های اکسیژن‌ساز بلند شد که باعث گردید برای استفاده از این دستگاه در انگلیس اولویت قائل شده و از همین روی آن دستگاه بسیاری از بیماران سالمند را قطع کرده و در اختیار جوانترها گذاشتند.

خیلی زود رسوایی رها ساختن افراد مسن در خانه‌های سالمندان در کانادا برخاست که ابتلا و تلفات آنها باعث گسترش عفونت شدید در محله‌های آن خانه‌ها گردید.

### جنگ روانی با محور واکسن

پس از این موضوع، پروژه جنگ روانی واکسن شروع شد. آنها گفتند و همچنان ابلهانه می‌گویند که در دی ۱۳۹۹، ورود هرگونه واکسن به ایران ممنوع اعلام شد تا مثلا واکسن‌های داخلی تولید شوند. در حالی که اولین واکسن تولید داخل با وجود همه تحریم‌ها و فشارهای داخلی و خارجی از دی ۱۳۹۹ به فاز تست‌های انسانی وارد شد و در اواخر خرداد ۱۴۰۰ مجوز اضطراری دریافت کرد.

این در حالی است که براساس اسناد معتبر موجود، ایران از آذر ۱۳۹۹ برای دریافت واکسن از طریق سبد کواکس اقدام نمود و به میزان حدود ۱۷ میلیون یورو، واکسن خریداری کرد که علی‌رغم ادعاهای به اصطلاح انسان دوستانه، تحریم‌های آمریکا مانع از دستیابی ایران به این میزان واکسن شد.

اما به هر حال از بهمن سال قبل اگرچه به مقدار کم اما واکسن‌های وارداتی از جمله آسترازنکا و اسپوتنیک و سینوفارم و بهارات وارد ایران شدند.

سندهای منتشر شده در وب‌سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا به تاریخ ۲۷ خرداد ۱۴۰۰ به نقل از اطلاعیه خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد که تا تاریخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، ایران در تحریم داروهای کرونایی از جمله واکسن آن قرار داشته و با صدور مجوز اضطراری برای استفاده از واکسن برکت در تاریخ ۲۵ خرداد، تحریم‌ها نیز از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا لغو شد.

پس از آن در مورد واکسن‌های تولیدی و وارداتی شبه افکنی شروع شد. ابتدا گفتند و نوشتند اصلا امکان ندارد که ایران بتواند خودش این واکسن را بسازد. این درحالی بود که موسسات مختلفی مانند رازی و پاستور سال‌ها سابقه تولید واکسن داشتند.

پس از آنکه سعی شد با تمام قوا از ورود مواد اولیه و دستگاه‌ها و خط تولید برای ساخت واکسن کرونا ممانعت به عمل آید، بعد از آن، گروه دارویی برکت و ستاد اجرایی فرمان امام (مجری تولید واکسن برکت) را تحریم کردند، دکتر فخری زاده (از جمله مسئول پروژه تولید واکسن فخرا) را ترور کردند و...

بالاخره پس از تولید واکسن داخلی، ابتدا گفتند که اصلا چینی است (که اگر بر سر این مسئله پای می‌فشردند، پنبه گزارش‌ها و ادعاهای بعدی خود را زده بودند و در واقع تاثیر واکسن ایرانی را تایید کرده بودند، چون واکسن‌های چینی تاییدیه سازمان بهداشت جهانی را گرفته بود) بعد در میزان تاثیر آن تردید افکنی را آغاز کردند (یعنی متضاد با ادعای قبلی که واکسن برکت همان واکسن چینی است، سخن گفتند!)

بعد گفتند واکسن برکت به‌صورت غیر بهداشتی تولید می‌شود و روی عکس‌هایی جعلی مانور دادند که وقتی عکس‌های خط تولید فایزر و مدرنا و آسترازنکا منتشر شد و شرایطی بدتر را نشان داد، خاموش شدند.

بعد به کوس و کرنا زدند که حدود یک میلیون دوز از این واکسن در خط تولید تازه به راه افتاده، هدر رفته اما خیلی زود کاشف به عمل آمد که در خطور تولید مدرنا و جانسون‌اند جانسون، میلیون‌ها بیش از ۱۵ میلیون دوز واکسن به هدر رفته است!

بعد گفتند چرا آن میزان که قول داده شده بود، تولید نشد و اصلا همه گناه تلفات موج پنجم کرونا تقصیر همین عدم تولید کافی واکسن برکت است! توجه می‌فرمایید یعنی با این شبهه‌افکنی در واقع شبهات قبلی را ناخودآگاه رد کرده بودند یعنی به این صورت تایید کرده بودند که ایران توانسته واکسن کرونا تولید کند و این واکسن موثر است! چرا که عدم تولید کافی و تزریق آن باعث تلفات موج پنجم شده!

این درحالی است که برای تولید میزان ۵۰ میلیون دوز واکسن برکت، آخر شهریور قول داده شده بود ولی موج پنجم از اواخر تیرماه شروع شد و تا آخر شهریور با ورود واکسن‌های وارداتی چینی، این موج سیر نزولی گرفت! (ضمن اینکه این ایراد به مسئولین بنیاد برکت وارد است که نبایستی قولی می‌دادند که نتوانند به هر دلیل به آن عمل کنند)

گفتند برخی از آنها که واکسن برکت یا سینوفارم زدند، فوت کردند، درحالی که از ابتدا این نکته از سوی کارشناسان و اساتید و سازمان بهداشت جهانی و حتی سازندگان واکسن تصریح شده بود که واکسن از ابتلا و مرگ و میر جلوگیری نکرده بلکه آن را کاهش می‌دهد. پس از آن آمارهای بسیاری انتشار یافت که بسیاری از دریافت‌کنندگان هر دو دوز واکسن‌های فایزر و مدرنا و آسترازنکا فوت کردند.

بعد گفتند سینوفارم وارداتی به ایران از نوع سینوفارم پکن نبوده و از نوع ووهان و دارای اثربخشی کم بوده است. بعد که اسناد منتشره حکایت از آن داشت که سینوفارم از نوع پکنی است، به تاثیر آن نسبت به واکسن‌های دیگر گیر دادند که گویا کم‌اثرترین واکسن است. این درحالی بود که آمارها و نمودارهای منتشره از وضعیت مبتلایان و تلفات کرونا در کشورهایی که از سینوفارم استفاده کرده بودند (مثل پرو و شیلی و بحرین و امارات) وضعیت بسیار مطلوب‌تری نسبت به کشورهایی که فایزر و مدرنا را مورد استفاده قرارداده بودند (مانند آمریکا و انگلیس و آلمان)، نشان داده و می‌دهد و هنوز هم رسانه‌های زنجیره‌ای ابلهانه همان حرف‌های قبلی را تکرار و تکرار می‌کنند تا با ایجاد ترس و وحشت، به اصطلاح دل مخاطبان خود را خالی کنند.

این در حالی است که براساس نظرات کارشناسی، ترس و وحشت و اضطراب از کرونا، یکی از مهم‌ترین پارامترهای تضعیف سیستم ایمنی بدن و در نتیجه ابتلای به کروناست. بدین ترتیب این رسانه‌ها با اخبار و گزارش‌های جعلی و اعصاب خرد کن و استرس‌آور خود، نقش مهمی در ضعیف ساختن سیستم ایمنی برخی از مردم و در نتیجه ابتلای آنها به کرونا داشتند.

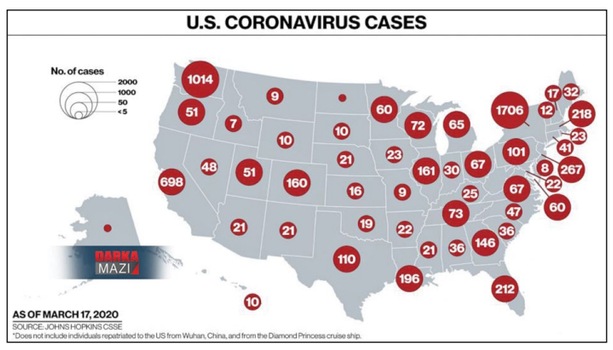


# جاهلان فرهنگی!

پژمان کریمی

«انقلاب اسلامی ایران» به مثابه اندیشه یا صریح‌تر و درست‌تر بگوییم؛ به منزله مکتبی اندیشگی و گفتمانی است. بر پایه و بر بستر چنین مکتبی است که «جمهوری اسلامی» به‌عنوان «نظریه- ساختار- حکومت» شکل و مبنا یافته است. بن مایه و شالوده و مختصات انقلاب اسلامی نیز؛ خود برآمده و بر شده از دین الهی اسلام است چنانکه اگر گزاره‌های معرفتی و آموزه‌ها و فقه اسلامی را از مکتب یادشده، نادیده انگاریم؛ در عالم واقع، پدیده و داشته‌ای با نام «مکتب انقلاب اسلامی» بجا نمی‌ماند! پس؛ بنابر چیستی و ماهیت روشن، بی‌بدیل و مثال زدنی انقلاب اسلامی و در پی آن جمهوری اسلامی است که می‌توان حکم داد: انکار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به اعتبار- به ترتیب- مکتب اندیشگی و گفتمانی و نیز نظریه- ساختار- حکومت؛ آگاهانه و ناآگاهانه یا خواسته و ناخواسته؛ نه تنها انکار جامعیت دین الهی اسلام است بلکه در ذات این انکار جاهلانه؛ معاندت با دین الهی نهفته است! از این رو هم؛ یک فرد نمی‌تواند در مقام ادعای مسلمانی بایستد و در عین حال؛ به ضرورت برپایی حکومت اسلامی، ظلم‌ستیزی، یاری مظلوم، امر به معروف و نهی از منکر، ایثار، جهاد، شهادت، حجاب و... بی‌اعتنا بماند و کلیت دین را در انجام مناسک فردی و در کنج خانه و محدوده مساجد و انزوای اجتماعی و قائلیت به پلورالیسم دینی و اجتماعی و سیاسی، جست‌وجو و خلاصه کند! از همین منظر است که ساده‌اندیشانه و گاه آگاهانه اما منافقانه، احکام جدایی عرصه‌های مختلف از دین توجیه و صادر شده است: «جدایی دین از سیاست»، «جدایی دین از فرهنگ»،«جدایی دین از هنر»، «جدایی دین از علم»، «جدایی دین از ورزش»، «جدایی دین از اقتصاد»! و اینها همه یعنی تحریف دین، سرکوب دین، نگاه به تلاشی دین و کلاه بزرگ بر سر ساده‌لوحانی که در سایه مصیبت جهل و جمود فکری، آفت ولنگاری و بیماری تنبلی، در پی پوسته‌ای از دین و مذهب بی‌تکلیف، سرگشته میدان وجود خودند!

در ساحت فرهنگ و هنر کشورمان کم نیستند کسانی که با بهره یا رساتر عرض شود با سوءاستفاده از هنر و شهرت کذایی خود تفسیرها و معناسازی‌های بی‌مبنا از دین و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دارند و تلاش می‌کنند- به سهم خود- دین و نظام دینی را یکسره و توامان هدف ضربه قرار دهند. به همین راستاست که گزاره «من حکومتی نیستم» در ادبیات طیف یاد شده؛ پرسامد و پرکاربرد دیده می‌شود.

مدتی پیش یکی از عناصر مدعی هنر و بازیگر با حکومتی خواندن رسانه ملی، به روشنی نسبت به کار در عرصه تولیدات صداوسیما، اعلام انزجار کرد. این رفتار سبکسرانه در حالی بود که وی:

اولا از طریق حضور در تولیدات طنز و شبه طنز رسانه ملی نامی و موقعیت مالی یافته است. دوم، برای کار در عرصه سیما هیچ پیشنهاد مطلوبی را رد نکرده است. ممکن است پرسیده شود که این بازیگر زن بدچهره چرا بعد از سال‌ها همکاری با رسانه ملی ناگهان آن را حکومتی یافته است و از حضور در این رسانه حکومتی، دچار انزجار شده است؟ چرا پیش‌تر به درک و مکاشفه و احساس کنونی نرسیده بود؟

باید گفت: این‌گونه آدم‌ها و عناصر، همواره نقاب بر چهره دارند. آنها کاری انجام می‌دهند و حرفی به زبان می‌رانند و درکی و دیدگاهی را پیش نظرها می‌نهند که به نفع‌شان است. برای اینان، تا دیروز بازی در رسانه ملی افتخار و همدلی و همراهی با مخاطب توصیف می‌شد و حالا سرپوش گذاشتن به خدمات رسانه ملی و حکومتی خواندن آن، همراهی و صداقت‌ورزی با مخاطب معنا می‌گردد.

باید بدین افراد گفت:

«بله... رسانه ملی رسانه حکومتی است، رسانه «جمهوری اسلامی» است، تنها رسانه‌ای است که خدمتگزاران متدین و متعهد آن یک تنه در برابر ۳۰۰ شبکه معاند فارسی‌زبان و غیرفارسی زبان ایستاده‌اند و از دین وانقلاب و مردم ایران دفاع می‌کنند. رسانه ملی حکومتی است، یعنی وابسته به همان حکومتی که از انقلاب مردم برخاسته است، همان حکومتی که حکومت الله است و مجری قوانین دین آسمانی! رسانه ملی حکومتی است اما نه حکومتی که ترویج شهوات و اصالت‌دهی به حیوانیت را فضیلت می‌خواند و القا می‌کند و سیاست را بازیچه و ابزار دنیاخواهی و دنیاداری معرفی می‌سازد... نه حکومتی دست‌نشانده قدرت‌های شیطانی و نه حکومتی که بر شده احزاب و گروه‌های سیاسی ضد مردمی و ضد دینی و به تعبیری «صاحبان زر و زور» است. اگر حضور در چنین رسانه‌ای مایه اندوه و «دل‌آشوب» شماست، چرا این رسانه را رها نمی‌کنید؟ چرا در پیش چشم مردم رسانه ملی را مطرود می‌دانید اما در نهان برای دریافت نقش، خود را تحقیر می‌کنید؟

شما به حدی کوچک هستید که اگر چند ماهی در قاب رسانه‌ها دیده نشوید، دچار روانگسیختگی حاد می‌شوید و در برابر دوربین تلفن همراه‌تان به بهانه‌های گوناگون و دم‌دستی، به زمین و زمان ناسزا می‌گویید، نظربافی می‌کنید و درون تهی خود را برملا می‌سازید.»

به هر روی؛ شما مخاطب گرامی مطمئن باشید؛ کسانی که به صدا وسیما می‌تازند، همزمان با تاختن، برای بیشتر دیده شدن در آینه رسانه ملی، تلاش وافر دارند. چون اغلب می‌دانند در بیرون از حدود جغرافیایی ایران، نه کسی آنها را می‌شناسد، نه به‌عنوان هنرمند برای کسی و رسانه‌ای فرامرزی رسمیت دارند. اینان برای معاندان ابزاری هستند که در ظرف زمانی محدودی شانس خودنمایی می‌یابند. اینان در نقش یک پادوی فرهنگی سیاسی معاندان هم نیستند. آنها بی‌جیره و مواجب؛ برای بدخواهان، به بیگاری مشغول هستند؛ بیگاری فرهنگی و سیاسی!

# مرد نقره‌ای و قهرمان‌پردازی برای کودکان و نوجوانان

میلاد شایگان

«مرد نقره ای» جدیدترین گروه سازنده فیلم «قهرمانان کوچک» یک گام جدید در جهت ترویج غرور ملی از طریق روایتی قهرمان‌پردازانه است. ساخت این فیلم را می‌توان نوعی تلاش برای رفع یک خلأ بزرگ دانست.

یکی از معضلات فرهنگی سال‌های اخیر در کشورمان، خلأ قهرمانان ملی در میان محصولات و تولیدات فرهنگی و هنری است؛ هرچند که در چند سال اخیر تلاش‌هایی برای انتشار نوشت‌افزار با تصاویر اسوه